



استاد: دکتر بتول زارعی

حسابداری مدیریت



هزینه یابی بر مبنای فعالیت (ABC)



1



علیرضا نجفی



فرزاد فرهادیان

مقدمه

روند تغییرات از لحاظ تکنولوژی و همچنین به کار گرفتن شیوه های، رقابتی نوین و متفاوت، تولیدکنندگان و ارائه دهندگان خدمات امروزه به این نتیجه رسیدند که برای ادامه حیات خویش و ارائه خدمات برتر باید شیوه ها و فرایندهای خود را بهبود بخشند و برای بقا در بازار ضمن افزایش مستمر کیفیت، هزینه ها را که در نهایت منجر به کاهش بهای تمام شده می شود به نحو قابل قبولی پایین آورند، البته رشد سریع تکنولوژی در ابعاد مختلف این امکان را تا حدی برای آنها فراهم می آورد، اما علاوه بر این، سازمانها می بایست در روشهای حسابداری و مدیریتی خویش تجدید نظر کنند. چون اتکا به روشها و تکنیکهای سنتی دیگر نمی تواند نیازهای امروزی آنان و مشتریان را برآورده سازد. این نیاز مبرم از یک طرف و رشد و توسعه دیدگاههای جدید در زمینه حسابداری مدیریت از طرف دیگر، باعث ایجاد تحول در ارائه روشهای نوین محاسبه بهای تمام شده گردید.

تاریخچه ABC

تفکر ایجاد ارتباط بین هزینه ها و فعالیتها در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ در آثار برخی از نویسندگان از جمله سالومنز و استاباس ارائه گردید. در دهه ۱۹۸۰ با افزایش رقابت و تغییرات سریع فناوری اکثر واحدهای اقتصادی از سیستمهای هزینه یابی استفاده می کردند که در دهه های پیشتر توسعه یافته بود. زمانی که رقابت شدت کمی داشت و مواد اولیه و دستمزد مستقیم به عنوان جمع بهای تمام شده محصولات بیشتر شرکتها به حساب گرفته می شد و استفاده موثر و کارآمد از کار مستقیم، عامل مهمی در موفقیت به حساب می آمد. با توجه به نقش تعیین کننده رقابت در بقای شرکتها، مبنای رقابت فراتر از استفاده موثر از کار مستقیم قرار گرفت و آشکار شد که سیستمهای هزینه یابی سنتی برای برآورده کردن نیازهای واحدهای اقتصادی فعال در محیط اقتصادی جدید نامناسبند.

در اواخر دهه ۱۹۸۰ به دنبال انعکاس ضعفها و نارساییهای سیستمهای رایج حسابداری در ارائه اطلاعات دقیق هزینه، توجه جدی در محافل دانشگاهی و حرفه ای به رابطه بین فعالیت و هزینه بیشتر جلب گردید. این توجه عمدتاً بر اساس پیدایش سه سازه اصلی بود. **سازه اول:** تغییر نوینی بود که در دنیا جهت معرفی تکنولوژی مدرن، مکانیزم های تولیدی جدید در کشورهای مختلف بویژه ژاپن و ... رخ داد.

سازه دوم: این بود که در دهه ۱۹۸۰ فلسفه فکری بسیاری از مدیران شرکتها دستخوش تغییرات عمده گردید و علاوه بر سودآوری، رقابت در سطح جهانی، افزایش رضایت مشتریان، تاکید بر کنترل کیفیت محصولات و کاهش هزینه ها نیز جزء اهداف اصلی مدیران قرار گرفت.

سازه سوم : این بود که عده ای از نویسندگان حسابداری به تشریح فضای جدید تولید، نقشهای گوناگون تکنولوژی و دیدگاههای جدید مدیران پرداختند. در این میان محققانی چون رابرت کاپلان و روبین کوپر از دانشکده اقتصاد دانشگاه هاروارد نسبت به دیگران تاثیر بسزایی در انعکاس نارسایی های سیستم های سنتی داشتند. این نویسندگان معتقد بودند که استفاده از سیستمهای سنتی نه تنها پاسخگوی احتیاجات مدیران نیست، بلکه استفاده از اطلاعات آنها سبب گمراهی و عدم تصمیم گیری صحیح می شود. این شرایط که به امر دسترسی به اطلاعات سریع و به موقع اهمیت زیادی بخشیده است، منجر به پیدایش شیوه جدیدی برای هزینه یابی موسوم به ((هزینه یابی بر مبنای فعالیت)) گردید.

تعریف ABC (ACTIVITY BASED COSTING)

میهر و دیکین معتقدند: «هزینه یابی بر مبنای فعالیت یک روش هزینه یابی است که بهای تمام شده محصولات را از جمع هزینه فعالیتهایی که منجر به ساخت محصول می شوند بدست می آورد.»

هیلتون می نویسد: «هزینه یابی بر مبنای فعالیت روشی است که در آن هزینه ها بر مبنای نسبت سهم فعالیتهای صرف شده بوسیله هر محصول، از یک مخزن هزینه به محصولات مختلف تخصیص داده می شود.»

در واقع می توان گفت که سیستم هزینه یابی بر مبنای فعالیت یکی از سیستم های نوین هزینه یابی محصولات و خدمات است که نیازهایی از قبیل محاسبه صحیح بهای تمام شده محصول، بهبود فرایند تولید، حذف فعالیت های زائد، شناخت محرک های هزینه، برنامه ریزی عملیات و تعیین راهبردهای تجاری را برای واحد اقتصادی برآورده می سازد.

سیستم (ABC) به جای پرداختن به معلول، علت ایجاد هزینه و تولید را کالبدشکافی می کند و اگر فعالیتی دارای فلسفه توجیهی و ارزش افزوده نباشد، زمینه حذف، تعدیل یا بهبود آن را فراهم می کند.

هزینه های بدون ارزش افزوده هزینه هایی هستند که:

- ۱- غیر لازم و غیر ضروری هستند.
- ۲- لازم ولی بدون کارایی هستند.

فرآیند محاسبه بهای تمام شده توسط سیستم های سنتی

در سیستم های سنتی هزینه یابی بهای تمام شده هر محصول عبارت است از مجموع هزینه های مواد مستقیم، کار مستقیم و سربار ساخت تخصیص یافته. هزینه سربار ساخت نیز با استفاده از نرخ سربار و محرک هزینه ای نظیر ساعت کار مستقیم محاسبه و تخصیص می یابد. در حالی که امروزه هزینه کار مستقیم غالباً کمتر از ۱۵٪ و در مقابل هزینه های سربار بیش از ۵۰٪ از هزینه محصول را در بر می گیرد. بنابراین تخصیص هزینه های سربار بر اساس مبنای همپون ساعت (هزینه) کار مستقیم منجر به محاسبه نادرست بهای تمام شده محصولات می شود.

در نظام سنتی ، بهای تمام شده محصول طی فرآیند زیر محاسبه می شود:

۱. ردیابی مواد و دستمزد مستقیم به محصولات یا خدمات

۲. تخصیص هزینه های سربار به محصولات یا خدمات بر مبنای یک نرخ جذب معین

۳. محاسبه بها تمام شده محصولات

مهمترین مشخصات سیستمهای هزینه یابی سنتی، به شرح زیر است :

✓ هزینه های مواد مستقیم و دستمزد مستقیم که مستقیماً قابل تخصیص به تولیدات باشند.

✓ سربارهای تولیدی و غیر تولیدی، هزینه های غیر مستقیم تلقی شده و با استفاده از نرخ سربار از پیش تعیین شده به تولیدات تخصیص داده می شوند.

متداول ترین مبنای مورد استفاده برای تخصیص هزینه های سربار به تولیدات، ساعات کار مستقیم است .

ایرادات و نارسایی های سیستم هزینه یابی سنتی

به این شیوه محاسبه بهای تمام شده ایراداتی وارد شده است که می توان موارد زیر را بیان کرد:

(۱) هزینه کار مستقیم اهمیت خود را از دست داده است.

(۲) استفاده از یک مبنای تخصیص نمی تواند به شیوه مناسبی تمام روابط بین هزینه ها را نشان دهد.

(۳) علی رغم بالا بودن سهم هزینه سربار در هزینه محصول، نحوه تخصیص هزینه سربار به هر اندازه که باشد فاقد اهمیت است.

(۴) این سیستم در جریان تولید پیچیده و غیر معمول جوابگو نمی باشد.

(۵) اطلاعاتی صحیح و واقعی در مورد بهای تمام شده و سودآوری شرکت ارائه نمی کند.

از دیدگاه کلی مهمترین دلایل نارسایی سیستم سنتی به شرح زیر است:

۱- **عدم توانایی در ارائه اطلاعات بهای تمام شده** خصوصا در سازمان هایی که خدمات متنوع و گوناگونی را به مشتریان خود ارائه می کنند. از آنجا که سیستمهای سنتی خصوصیات خاص هر خدمت را در تسهیم هزینه ها در نظر نمی گیرند، باعث تخصیص غلط هزینه ها و عدم محاسبه دقیق قیمت تمام شده محصولات می گردد.

۲- **عدم تفکیک حوزه هزینه های غیر مشابه:** در سیستمهای سنتی برای جمع آوری هزینه های دستمزد و سربار از مراکز هزینه مشترک استفاده می شود. این مسئله باعث تخصیص غیر واقعی هزینه ها به خدمات ارائه شده می گردد.

۳- استفاده از مبنای مشترک و واحد برای تخصیص هزینه ها: این سیستمها معمولاً از یک مبنای تسهیم، برای تخصیص هزینه های گوناگون استفاده می کنند. از جمله این مبناها استفاده از ساعات کار مستقیم نیروی انسانی است. با توجه به این که در حال حاضر با پیچیدگی و تغییرات سریع تکنولوژی، میزان دخالت نیروی انسانی در فرایند کاری بسیار کم شده است، بنابراین با استفاده از این مبنا تسهیم هزینه ها به طور واقعی انجام نمی شود.

۴- سیستمهای سنتی، مزایای بدست آمده از دگرگونی فرایندها و بهبود در روشها را به عنوان صرفه جویی در نیروی کار به حساب می آورند. بنابراین بهبود عملکردها را در فرایندهای عملیاتی نشان نمی دهند.

۵- عدم تهیه اطلاعات دقیق در مورد بهای تمام شده و سایر اطلاعات مورد نیاز تصمیم گیری: سیستمهای سنتی هزینه های موجود در سازمان را عمدتاً به دو گروه هزینه های ((مستقیم)) و هزینه های ((دوره ای)) تقسیم می کند، و فقط هزینه های مستقیم را در محاسبه بهای تمام شده منظور می کند. اما در تصمیم گیری ها نیاز به استفاده از هزینه های مستقیم و هزینه های دوره ای است. بنابراین با اتکا به روشهای سنتی امکان تجزیه و تحلیل بیشتر در مورد بهبود فعالیت ها، روشهای کاهش هزینه ها... را فراهم نمی کند.

۶- سیستمهای هزینه یابی سنتی، اطلاعات واقعی را از فرایند عملیات و هزینه ها نشان نمی دهند. این سیستمها فقط هزینه هایی که به راحتی قابل شناسایی هستند را در محاسبه بهای تمام شده در نظر می گیرند و هزینه های غیر مستقیم، نقشی در محاسبه بهای تمام شده ندارند.

حرکت به سوی ABC

نارسایی های سیستمهای سنتی ، رشد رقابت و پیچیده شدن تکنولوژی نیاز به بکار گیری و استفاده از روشهای جدید هزینه یابی را تشدید نموده است ، چون سازمانها برای قیمت گذاری محصولات و خدمات ، اتخاذ تصمیمات استراتژیک و... نیاز به دسترسی به اطلاعات صحیح در مورد هزینه ها دارند. بدیهی است که سیستمهای سنتی به دلیل ماهیت خود در این زمینه کارا نمی باشند. از این رو بسیاری از شرکتها به منظور برطرف نمودن انتقادات مطرح شده در بخش قبل به سمت استفاده از سیستم ABC گرایش یافته اند. این سیستم (ABC) جانشین هزینه یابی سفارش کار یا روش مرحله ای نیست، بلکه می تواند همراه با آنها به کار گرفته شود. سیستم ABC فلسفه نوین مدیران (جلب رضایت مشتریان) و رقابت با سایر شرکت ها را به طور کمی در هزینه یابی محصول منظور می کند. یعنی این سیستم علاوه بر هزینه های مواد مستقیم و دستمزد مستقیم ، هزینه های گوناگون مربوط به تکنولوژی، کیفیت محصول و هزینه های مربوط به تولیدات انعطاف پذیر را نیز در برمی گیرد.

اصول و مبانی هزینه یابی بر مبنای فعالیت

- ۱- هزینه های سر بار اختصاص یافته به محصولات / خدمات باید هزینه های سر باری که واقعا برای آن محصولات را صرف شده را منعکس نمایند .
- ۲- این هدف از طریق یک تجزیه و تحلیل از فعالیت ها و علل بوجود آمدن آنها محقق می شود.
- ۳- فعالیتها ((آنچه که شرکت انجام می دهد)) می باشند . به عنوان مثال یک اقدام ، فرایند یا معامله که بخشی از تولید یک محصول یا خدمت می باشد .
- ۴- فعالیت ها را می توان در سطوح مختلفی از جزئیات تعریف نمود.
- ۵- فعالیتها منابع را مصرف می نمایند و باید برای کسب و کار ارزش ایجاد نمایند.
- ۶- مصرف منابع موجب می شود که هزینه ها اتفاق بیفتند.
- ۷- بنابراین فعالیتها ، هزینه ها را به وجود می آورند.
- ۸- مدیران گذشته ، می کوشیدند تا هزینه ها را به طور مستقیم مدیریت نمایند.
- ۹- ABC بیان می دارد که بهتر است فعالیتهایی را که موجب بوجود آمدن هزینه ها می شوند، مدیریت نمود. به عبارتی مدیریت کردن ریشه ها و علل بوجود آمدن هزینه ها.

مراحل ABC

- ۱- تعریف فعالیتها و هزینه های آنها
- ۲- تعیین عوامل بوجود آورنده هزینه ها (محرک هزینه ها)
- ۳- محاسبه نرخ عامل بوجود آورنده هزینه
- ۴- فراهم نمودن نرخ عامل هزینه برای محاسبه هزینه محصولات یا خدمات.

۱. تعریف فعالیتها

در تولید و تجارت هر عملی که به منظور تولید، توزیع و ارائه خدمات انجام شود و ماهیت تکراری در انجام وظایف فوق داشته باشد، کار یا فعالیت نامیده می شود. به عبارت دیگر مجموعه اقدامات انجام شده، فعالیت نامیده می شود.

در شناسایی و طبقه بندی فعالیتها توجه به موارد زیر سودمند خواهد بود:

۱- توجه به نمودار سازمانی و نمودار فرآیندها در شناسایی فعالیتها سودمند و ضروری است.

۲- در تعیین تعداد فعالیت به همگن بودن فعالیتها توجه شود. همگن بودن فعالیتها بدین مفهوم است که اقلامی از هزینه سربار در یک گروه گردآوری شوند که تقریباً به نسبتی یکسان توسط هر یک از محصولات به مصرف برسند.

طبقه بندی هزینه های مربوط به هر فعالیت در روش ABC

در سیستم ABC، ۴ طبقه فعالیت وجود دارد که هزینه این فعالیتها نیز با توجه به میزان استفاده هر محصول (خدمت) از فعالیتها، به محصولات (خدمات) تخصیص می یابد. ۴ طبقه فعالیت عبارتند از:

(۱) **فعالیت‌های سطح واحد محصول** که با هر بار تولید یک واحد محصول انجام می شود (سوراخ کردن، ماشین کاری هر قطعه). هزینه این نوع فعالیتها بین واحدهایی که فعالیت برای تولید آنها انجام شده است تسهیم می شود.

(۲) **فعالیت‌های سطح دسته محصول** که با هر بار تولید یک دسته از محصول انجام می شود (آماده سازی ماشین آلات یا سفارش مجموعه ای از قطعات). هزینه های سطح دسته محصول صرف نظر از تعداد واحدهای موجود در هر دسته اغلب ثابت است.

(۳) **فعالیت‌های سطح محصول** که بر اساس نیاز پشتیبانی انواع محصولات مختلف اجرا می شود و هزینه های آن ثابت بوده و می توان آنها را به محصولات تخصیص داد. (حفظ مشخصات محصول و انجام تغییرات مهندسی).

سه طبقه ذکر شده با هزینه هایی سر و کار دارد که می توان آنها را مستقیماً به محصولات تخصیص داد.

(۴) **فعالیت‌های سطح کارخانه** که فرایند عمومی تولید کارخانه را پشتیبانی می کند.

این طبقه شامل هزینه هایی است که برای انواع محصولات مشترک است و تنها بر مبنای اختیاری می توان آنها را بین محصولات تسهیم کرد (روشنایی و نظافت کارخانه یا سیستمهای امنیتی و ...).

۲ - محرک‌های هزینه (عوامل بوجود آورنده هزینه)

در روش سنتی، محرک‌های هزینه مرتبط با حجم، نظیر: مقدار تولید، ساعت کار مستقیم و ساعت کار ماشین آلات را تنها عواملی می دانستند که باعث رخداد هزینه می شود، اما در روش هزینه یابی بر مبنای فعالیت تنها محرک های هزینه مرتبط با حجم مهم در نظر گرفته نمی شوند بلکه محرک های هزینه مرتبط با فعالیت ها نیز دارای اهمیت می باشند .

به عبارتی برداشت جدید از محرک های هزینه ارائه گردید ، که عبارت است از:

((محرک های هزینه مشخصه یک رویداد یا فعالیت است

که منجر به وقوع هزینه می شود))

عوامل مهم در انتخاب محرکهای هزینه

در انتخاب محرک های هزینه سه عامل حائز اهمیت است:

- ۱- میزان همبستگی
- ۲- هزینه اندازه گیری
- ۳- آثار رفتاری

...ادامه عوامل مهم در انتخاب محرکهای هزینه

۱- میزان همبستگی

موضوع اصلی سیستم هزینه یابی بر مبنای فعالیت این است که هزینه های هر فعالیت بر مبنای محرک های هزینه مصرف شده در هر محصول به آن محصولات تخصیص داده شود. یعنی با مشاهده چگونگی مصرف ، محرک های هزینه مصرف شده در هر محصول به آن محصولات تخصیص داده شود .

۲- هزینه اندازه گیری

در سیستم ABC هر چه تعداد محرک های هزینه متنوع تر و ضریب همبستگی میان محرک و فعالیت بیشتر باشد تخصیص هزینه سربار با دقت بالاتری انجام خواهد شد، اما امکان دارد هزینه اندازه گیری محرک هزینه بالا برود . بنابراین در انتخاب محرک های هزینه مربوط به فعالیت باید تعادل میان هزینه و فایده برقرار باشد .

...ادامه عوامل مهم در انتخاب محرکهای هزینه

۱- آثار رفتاری

اطلاعات جمع آوری شده باید به گونه ای باشد که در تصمیم گیریها تاثیر گذار باشد. و در واقع تصمیم گیرندگان را هدایت کند به سمت اتخاذ تصمیمات بهتر.

مراحل طراحی و اجرای سیستم ABC

❖ مراحل اجرای این سیستم ، که نتیجه آن اختصاص هزینه سر بار به خدمات یا محصولات

تولیدی می باشد به شرح زیر است :

مرحله اول: شناسایی فعالیتهای عمده که در تولید نقش دارند و اختصاص هزینه سر بار ساخت به

هر فعالیت متناسب با منابعی که در هر فعالیت مصرف می شود. سر بار ساخت تخصیص یافته به هر

فعالیت با عنوان هزینه انباشته فعالیت شناسایی می شود.

مرحله دوم: شناسایی محرکهای هزینه (عوامل بوجود آورنده هزینه) –

تشخیص و شناسایی محرکهای هزینه متناسب و مربوط به هر یک از فعالیتهای شناسایی شده در

مرحله اول. (شکل صفحه بعد)

❖ **مرحله سوم:** هزینه سر بار ساخت مربوط به هر یک از فعالیتها ، به نسبت مقدار محرکهای هزینه

صرف شده مربوط به هر یک از فعالیتها در هر یک از خطوط تولیدی بصورت مجزا اختصاص یابد.

هزینه سربار ساخت
جمع مبلغ بودجه شده
۴۸۹۳/۰ میلیون ریال

چهار سطح یا طبقه اصلی که ۸ فعالیت شناسایی شده بسته
به نوع فعالیت در طبقه مربوط به خود قرار گرفته است



تفاوت‌های عمده روش‌های سنتی و ABC

روش سنتی	روش هزینه یابی بر مبنای فعالیت
هدف: ارائه اطلاعات در زمینه سودآوری	هدف: ارائه اطلاعات در زمینه های سودآوری، رضایت مشتریان و رقابت در سطح بین الملل
برای جریان های تولیدی ساده، استاندارد و معمولی به کار گرفته می شوند.	برای جریان های تولیدی ساده، غیر استاندارد و پیچیده به کار گرفته می شوند.
بهای تمام شده محصولات براساس مواد اولیه مستقیم، دستمزد مستقیم و سربار کارخانه مستقیم، و سربار کارخانه محاسبه می کنند و محاسبه می کنند و اثرات تکنولوژی پیشرفته را هزینه های مربوط به تکنولوژی، کنترل کیفیت و رقابت در سطح جهانی در نظر می گیرد.	بهای تمام شده محصولات براساس مواد اولیه مستقیم، دستمزد مستقیم و سربار کارخانه مستقیم، و سربار کارخانه محاسبه می کنند و محاسبه می کنند و اثرات تکنولوژی پیشرفته را هزینه های مربوط به تکنولوژی، کنترل کیفیت و رقابت در سطح جهانی در نظر می گیرد.
برای برنامه ریزی و کنترل مدیران چندان مناسب و دقیق نیستند.	برای برنامه ریزی و کنترل مدیران بسیار مناسب و دقیق می باشد.
برای تصمیمات مدیر گمراه کننده است.	اتخاذ تصمیمات صحیح و مناسب را با استفاده از اطلاعات سیستم حسابداری مدیریت ممکن می سازد.
هزینه ها را به دو گروه "هزینه های محصول" و "هزینه کلیه هزینه ها" هزینه های محصول" تلقی می کند.	هزینه ها را به دو گروه "هزینه های محصول" و "هزینه کلیه هزینه ها" هزینه های محصول" تلقی می کند.
اکثرا از میناهای مالی جهت تقسیم سربار استفاده می کنند.	اکثرا از میناهای مالی و غیر مالی جهت تقسیم سربار استفاده می کنند.

دومین دلیل در رابطه با اهمیت سیستم ABC تولید و فروش محصولات متنوع توسط شرکت ها می باشد. در واحد های تولیدی سنتی، تنها یک محصول و یا محصولات دارای ماهیت مشابه ، تولید و به فروش می رسیدند . در چنین وضعیتی هزینه های سربار ، شامل هزینه های فروش ، اداری و تشکیلاتی صرف شده برای محصولات مختلف ، نسبتا مساوی است . در حالی که در صورت وجود تنوع محصولات ، وضعیت متفاوت است . بنابراین هنگامی که محصولات مختلف به طور یکسان از خدمات مشابه استفاده نکنند ، یا مواقعی که حجم محصولات با هم یکسان نباشند ، بکار گیری سیستم هزینه یابی سنتی مبتنی بر حجم می تواند منجر به انحراف بهای تمام شده محصول با توجه به عدم تخصیص مناسب هزینه های سربار شود.

اهمیت ABC در دنیای امروز

یکی از سوالات مطرح شده در مورد سیستم ABC این است که چرا این سیستم اهمیت دارد؟ دو دلیل برای تشریح این موضوع وجود دارد:

(۱) تغییر در ساختار هزینه بسیاری از واحد های تولیدی

(۲) افزایش تنوع محصولاتی که شرکتها تولید و به فروش می رسانند.

برای شرح بیشتر تغییر ساختار بهای تمام شده در شرکتهای تولیدی، مثال خوبی است. در شرکتهای تولیدی سنتی دارای نیروی کار متمرکز دستمزد مستقیم ۴۰ تا ۶۰ درصد هزینه های تولیدی را تشکیل می دهد، هم چنین مواد مستقیم ۳۰ تا ۴۰ درصد و سربار در سطح پایین ۸ تا ۱۲ درصد جمع هزینه های تولید می باشد. در چنین وضعیتی، اکثر هزینه های محصول می تواند بطور مستقیم به محصول ارتباط داده شود. به علاوه، هر گونه نادرستی در اثر تخصیص نامناسب هزینه های سربار به محصولات، تنها اثر نا چیز روی بهای تمام شده هر واحد محصول خواهد داشت. در مقابل، شرکتهای تولیدی سرمایه بر، دارای ساختار هزینه ای بسیار متفاوتی هستند. در این شرکتها، سربار تولید می تواند ۵۰ درصد یا سهم بیشتری از جمع هزینه های تولید را در بر گیرد. در چنین حالتی، تخصیص نا درست هزینه های غیر مستقیم می تواند اثر زیادی روی بهای تمام شده هر واحد محصول داشته باشد و منجر به تصمیم گیری های غلط مدیریت در خصوص سود آوری محصول، قیمت گذاری محصولات و... شود.

استفاده از روش ABC برای چه شرکتهایی مناسب است؟

استفاده از ABC برای برخی شرکت ها نامناسب بوده و برای برخی دیگر بی تاثیر می باشد. **هزینه یابی بر مبنای فعالیت در شرکتهایی مناسب است که دارای ویژگی های زیر باشند:**

(۱) شرکتهایی که دارای تولیدات گوناگون و متنوع و یا ارائه دهنده خدمات مختلفی باشند.

(۲) شرکتهایی که هزینه سربارشان بالا بوده و این هزینه به محصولات مختلف و با توجه به میزان تولید هر یک به نسبت یکسان قابل تخصیص نباشند.

(۳) شرکتهایی که از ماشین آلات پیشرفته خودکار در تولید استفاده می کنند.

(۴) شرکت هایی که دارای جریان تولیدی پیچیده و غیر معمول می باشند.

مزایای ABC

سیستم هزینه یابی بر مبنای فعالیت پدیده نوینی است که تفکر هزینه یابی سنتی حسابداری مدیریت را به شدت دگرگون ساخته است و توجه واحدهای اقتصادی بسیاری را به خود جلب نموده است .

برخی از مزایای این سیستم عبارتند از:

- (۱) بهبود سیستم هزینه یابی و تخصیص هزینه های شرکت به طور مطلوب تر
- (۲) تعیین بهای تمام شده و قیمت گذاری به صورت منطقی و دقیق تر
- (۳) کنترل عملیات شرکت و برنامه ریزی و تصمیم گیری کار
- (۴) ارزیابی صحیح تری از عملیات مالی مدیران
- (۵) حذف فعالیت‌های بدون ارزش افزوده
- (۶) کمک به تصمیم گیری در خصوص تولید یا توقف محصول

معایب سیستم ABC

- ۱- هزینه های گزاف ناشی از تعداد مراکز فعالیت و عوامل هزینه زا.
- ۲- هزینه یابی بر مبنای فعالیت ممکن است به آسانی برای کل تولیدات قابل اجرا نباشد.
- ۳- رابطه علت و معلولی بین فعالیت ها و تولیدات همیشه به طور واضح قابل تعیین نیست
- ۴- تجزیه و تحلیل جزئیات حسابها و فرایند جمع آوری داده ها، فرایند زمانبری است.
- ۵- هزینه یابی بر مبنای فعالیت ایستا (ساکن) است، بدین معنی که هر تغییری در فرایند کاری مستلزم بازسازی مدل هزینه یابی بر مبنای فعالیت است.

کاربردهای عملی ABC

با وجودی که ABC به عنوان یک سیستم هزینه یابی ژاپنی معرفی شده است ، اما در ژاپن چندان کاربردی ندارد و مشاوران مالی آمریکایی و انگلیسی آن را به عنوان یک سیستم موفق که باید جهت رقابت با واحدهای رقیب ژاپنی بکار گرفته شود تجویز کرده اند . در نتیجه این سیستم نه تنها در واحدهای تولیدی کشور های غربی ، بلکه در سازمانهای خدماتی آنها نیز بکار گرفته شده است .

سیستم ABC در شرکتهای دارای تکنولوژی بالا و پیچیده بطور موفقیت آمیز بکار گرفته شده است . در مجموع کاربرد عملی مثبت ABC در موارد خدماتی از جمله بیمارستان ها ، سازمانهای بهداشتی ، صنعت بانکداری و تهیه و توزیع مواد غذایی گزارش شده است .

*** اگر می‌خواهید در اوج بمانید
باید به همان اندازه سخت‌تر کار کنید.**

با تشکر از توجه شما...